

اعضای خانه «وکیلی» حضور در اجتماعات شبانه سعدآباد را به بخشی از زندگی روزمره خود تبدیل کرده‌اند

خانواده‌ای که شب‌هایش را با محله قسمت می‌کند



راه تجربه



حمیده صفائی‌اشب که می‌شود، بیشتر خانواده‌ها کم‌خوابی را برای پایان یک روز شلوغ آماده می‌کنند؛ بچه‌ها به فکر خواب و فردا هستند و خانه آرام آرام رنگ شب می‌گیرد. اما خانواده وکیلی تازه راهی اجتماعات شبانه می‌شوند. این خانواده پنج نفره حضور فعالی در این اجتماعات دارند؛ برای همین بچه‌ها باید تکالیفشان را انجام داده باشند و کارهای خانه تا جایی که می‌شود سر و سامان گرفته باشند. آقا حامد باید خودش را به برنامه‌های اجرایی برساند و فاطمه خانم هم حواسش به غرفه‌های کودک و نوجوان باشد. خانواده وکیلی از همان نخستین شب شکل‌گیری اجتماعات پای کار آمده‌اند؛ شبی که شاید هیچ‌کدام تصور نمی‌کردند این حضور قرار است بیش از شش ماه ادامه پیدا کند. حامد و فاطمه و سه فرزند یازده، هشت و چهار ساله‌شان حالا بخشی از زندگی خود را با این شب‌ها تنظیم کرده‌اند.

نباشد؛ بچه‌ها باید سهمی در آن داشته باشند، بازی کنند، دوست پیدا کنند و خاطره بسازند. فاطمه خانم می‌گوید: در کنار این اجتماع، بچه‌ها تفریح و حتی در پذیرایی کمک می‌کنند. برای دختران نوجوان هم حلقه‌های گفت‌وگو محور و دوره‌های داریم.

دوستی‌هایی که در سه شب شکل گرفت

فاطمه از چیزی می‌گوید که شاید در نگاه اول دیده نشود؛ آدم‌هایی که در این دو بیست و چند شب، کم‌کم برای هم آشنا و بعد دوست شده‌اند.

او تعریف می‌کند: مردم بیشتر از دو بیست شب است که با هم هستند. در طول این شب‌ها دوستی‌هایی شکل گرفته است. خیلی‌ها هم محله‌ای هستند و حالا در فضای مجازی با هم ارتباط دارند. برای خانواده‌هایی که شب به شب یکدیگر را دیده‌اند، اجتماع فقط یک برنامه چند ساعته نیست؛ بخشی از روابط اجتماعی محله شده است.

فاطمه خانم خاطرات مختلفی از این شب‌ها دارد. او تعریف می‌کند: یکی از خانم‌هایی که به این اجتماعات می‌آمد، باردار بود. پس از مدتی غیبت، حالا با نوزادشان به جمع ما می‌آید. علاوه بر آن یک کودک یک و نیم ساله بود که با خانواده‌اش به اینجای آمد و چندی پیش تولد دوسالگی او را جشن گرفتند.

پشت صحنه این شب‌های پرهیاهو

در اجتماعات شبانه، آنچه مردم می‌بینند، برنامه‌ای است که روی سن اجرا می‌شود؛ بچه‌هایی که بازی می‌کنند، خانواده‌هایی که کنار هم نشسته‌اند و جمعی که شب را در کنار یکدیگر سپری می‌کنند. اما پشت این تصویر، گاهی اتفاق‌هایی رخ می‌دهد که فقط عوامل اجرایی از آن خبر دارند.

آقا حامد تعریف می‌کند: یک شب هنگام اجرا، یکی از بلندگوها به زمین خورد و در میانه شور و حرارت برنامه، صدا قطع شد. خسارتی حدود ۳ میلیون تومان به جاماند.

آقا حامد با یادآوری این خاطرات، دوباره لبخندی می‌زند و می‌گوید: پشت صحنه این کارها فشار زیادی دارد که سعی می‌کنیم مردم آن را نبینند. گاهی اتفاق افتاده است که مهمانی را برای برنامه دعوت می‌کردیم و درست همان شب خبر می‌داد امکان حضور ندارد. این فشارها باعث شده تجربه‌های بسیاری کسب کنیم و طی این مدت، برنامه‌ها بهتر و آسان‌تر پیش برود.



کار هم وظایفی دارم و باید به درستی آن را انجام دهم. برای انجام تمام این امور خیلی وقت‌ها از استراحت خودم می‌زنم. حامد از روزهایی می‌گوید که مهمانی‌ها و دوره‌های خانوادگی طولانی‌تر بود، اما حالا زمان بیشتری از زندگی شبانه به اجتماع اختصاص پیدا کرده است.

او تعریف می‌کند: قبلاً مهمانی‌های طولانی و تفریحاتی با زمان بیشتر داشتیم؛ الان همان میهمانی‌ها هست، اما بازمانی کوتاه‌تر. حتی گاهی در مهمانی هستیم و می‌خواهیم برویم، می‌گویند دوست داریم بیشتر در جمع ما باشید. اما همیشه می‌گوییم باشد در دیدارهای بعدی.

برنامه ریزی، اصل مهم زندگی

در سوی دیگر این ماجرا، فاطمه وکیلی ایستاده است؛ مادر سه فرزند و کسی که بخش کودک و نوجوان اجتماعات پنجره سنا بار را اداره می‌کند. برای او، حضور شبانه در این برنامه‌ها فقط پوشیدن لباس و بیرون آمدن از خانه به همراه همسر و فرزندانش نیست. پشت این حضور، برنامه‌ریزی برای سه کودک، رسیدگی به مدرسه و تکالیفشان و هماهنگ کردن کارهای خانه است.

فاطمه خانم می‌گوید: من سه فرزند یازده، هشت و چهار ساله دارم. گاهی بچه‌ها خسته هستند، گاهی بیماری دارند. مدارس هم که شروع شده و کار زیاد است. همه این‌ها را با هم هماهنگ می‌کنیم تا بتوانیم شب‌ها در اجتماعات حضور داشته باشیم.

او برای حضور در این برنامه با همه چالش‌هایی که ممکن است در طول روز با آن مواجه شود یک اصل ساده دارد؛ «اگر کاری برایمان مهم باشد، برای انجامش برنامه‌ریزی می‌کنیم».

وکیلی ادامه می‌دهد: حضور در اجتماع از نگاه من و همسرم خیلی مهم است و برای همین برنامه‌ریزی می‌کنیم که رأس ساعت ۸ شب آماده باشیم و به اینجای بیاییم. این برنامه‌ریزی حتی به ساعت خواب بچه‌ها هم رسیده است. از آغاز سال تحصیلی جدید، ابتدا تکالیفشان را انجام می‌دهند، بعد کمی استراحت می‌کنند تا بتوانند شب همراه ما باشند.

بچه‌ها هم سهمی از این شب‌ها دارند

اگر حامد در صحنه‌های اجرایی دیده می‌شود، فاطمه شب‌ها بیشتر بین بچه‌هاست. غرفه‌های کودک و نوجوان، قصه‌گویی، بازی، ساخت سازه و حلقه‌های گفت‌وگو برای دختران نوجوان، بخشی از برنامه‌هایی است که با حضور او دنبال می‌شود.

برایش مهم است که فضای اجتماع برای کودکان خشک و رسمی

از پیاده‌روی شبانه تا پاتوق اجتماعی محله

قرار گفت‌وگو با پنجره سنا با داست. آقای وکیلی، مجری برنامه، روی سن ایستاده و مشغول اجرای برنامه است. منتظر می‌مانیم تا کارش تمام شود و از روی سن پایین بیاید؛ چند دقیقه بعد، گفت‌وگو با مادر یازده‌ساله‌اش حضور (تا زمان تهیه گزارش) در اجتماعات شبانه آغاز می‌شود.

حامد وکیلی از همان روزهای نخست در اجتماعات حضور داشت. به گفته او آن روزها خبری از ایستگاه و سن در پنجره سنا نبود. حضور نمازگزاران مسجد حضرت رقیه (س) در محله سعدآباد بیشتر به شکل پیاده‌روی انجام می‌شد تا اینکه کم‌کم ایده تجمع در یک مکان ثابت شکل گرفت و حالا این جمع در پنجره سنا با د گرد هم جمع می‌شوند. آقا حامد می‌گوید: از دهم اسفند تا اوایل فروردین گاهی پیاده‌روی گاهی سواره در کوچه پس‌کوچه‌های محله حرکت می‌کردیم. اما کم‌کم به این نتیجه رسیدیم بهتر است در مکانی ثابت باشیم تا اگر کسی از هم محله‌ای‌ها یا نمازگزاران مسجد دیرتر آمد، محل اجتماع را پیدا کند. به دنبال این بودیم جایی را انتخاب کنیم که رفت و آمد هابرای اهالی مزاحمتی ایجاد نکند. بالاخره در پنجره سنا با د مستقر شدیم. طبق گفته آقا حامد، با استقرار در یک مکان ثابت، جنس برنامه‌ها کم‌کم تغییر کرد. دیگر قرار نبود فقط گروهی از نمازگزاران دور هم جمع شوند و پیاده‌روی کنند؛ برنامه‌ها شکل منسجم‌تری گرفت و بخش‌های مختلفی به آن اضافه شد. همین موضوع باعث شد آقا حامد بیشتر درگیر بخش اجرایی شود؛ از هماهنگی برنامه‌ها و دعوت از مهمانان و سخنرانان گرفته تا رسیدگی به جزئیاتی که شاید مخاطب در یک شب عادی کمتر ببیند.

حضور در اجتماع هم بخشی از زندگی ماست

۲۱۵ شب حضور ثابت در اجتماعات، عدد کمی نیست، آن هم برای خانواده‌ای با سه فرزند که در کنار این حضور، زندگی معمول خودشان را هم دارند.

آقا حامد کارمند است و به قول خودش زندگی این روزهایش را به سه بخش انجام امور خانه، محل کار و اجتماعات تقسیم کرده است. او با گفتن این جمله لبخندی می‌زند و می‌گوید: سه حوزه را باید هم زمان داشته باشیم؛ کار، خانه و مهم‌تر از همه اجتماعات. الان به خاطر بازگشایی مدارس و آسایش خانواده‌ها، اجتماعات ما از ساعت ۹ تا ۱۰ شب است. با وجود این تا برسیم خانه و بخوابم زودتر از یک شب نمی‌شود. وکیلی ادامه می‌دهد: صبح زود اول باید بچه‌ها را به مدرسه ببرم، سر